

آلبر کامو

تعهد اهل قلم

مقاله‌هایی در زمینه ادبی و اجتماعی

انتخاب و ترجمه

مصطفی رحیمی



انتشارات نیلوفر

فهرست

| | |
|-----------------------|--|
| ۷ | چند نکته از مترجم |
| نقد و نظر | |
| ۱۳ | داستانایفسکی |
| ۱۷ | دربارهٔ رمان تهوع |
| ۲۱ | نان و شراب |
| ۲۵ | مقدمه بر خانهٔ مردم |
| ۳۳ | دربارهٔ بیگانه |
| ۳۵ | دربارهٔ طاعون |
| ۳۹ | مقدمه‌ای بر نمایشنامه‌هایم |
| ۴۷ | سرکشی و رمانتیسیم (دربارهٔ باکونین) |
| ۵۳ | تحقیق در کجاست؟ |
| ۶۱ | روژه مارتن دوگار (ترجمهٔ منوچهر بدیعی) |
| نظریه‌های ادبی | |
| ۱۰۳ | خدمتگزار حقیقت و آزادی |
| ۱۱۱ | خطابهٔ نوبل |
| ۱۳۷ | ادبیات و کار |
| ۱۴۳ | آیندهٔ «تراژدی» |
| ۱۶۱ | چرا به تئاتر می‌پردازم؟ |

دربارهٔ رمان تهوع

رمان همواره فلسفه‌ای است که صورتی تخیلی یافته است. در رمان خوب همهٔ فلسفه در قالب صور خیال جای می‌گیرد. اگر این فلسفه از مرز شخصیت‌ها و رویدادهای رمان درگذرد و چون برجسیبی بر اثر نمودار شود، رویداد داستان اصالت خود را از دست می‌دهد و رمان می‌میرد. اثر جاودان به اندیشهٔ عمیق نیاز دارد. آمیزش پنهانی تجربه و اندیشه، زندگی و تفکر دربارهٔ معنای زندگی، همان است که رمان‌نویس بزرگ را می‌آفریند (هم‌چنان که این معنی مثلاً در کتاب سرنوشت بشر نوشتهٔ مالرو نمودار است).

امروز ما با رمانی روبرویم که این تعادل را برهم زده و بازتاب زندگی را زیر پرتو نظریات فلسفی قرار داده است. این کار چندی است مرسوم شده، ولی آنچه در رمان تهوع جلب توجه می‌کند این است که قریحهٔ درخشان نویسنده و روشن‌ترین و خشن‌ترین نازک‌خیالی‌های او، هم با دست و دل‌بازی و هم با زیاده‌روی، در اثر پخش شده است.

هر یک از بخش‌های این تفکر عجیب در تلخی و حقیقت‌پژوهی به نوعی کمال می‌رسد. وقایع رمان در یکی از بندرهای کوچک شمال فرانسه

روی می‌دهد. مردم بورژوازی شهر، که از راه حمل و نقل دریایی زندگی می‌کنند، هم به شکم خود می‌رسند و هم به رفتن به کلیسا. رستورانی که در آن کار تنور شکم تافتن در نظر گوینده داستان جنبه‌ای نفرت‌انگیز می‌یابد، و همه آنچه بخش ماشینی زندگی را تشکیل می‌دهد، با قلمی توانا نگارش یافته و در آن، روشن‌بینی جایی برای آرزو کردن باقی نمی‌گذارد. از سوی دیگر، تفکر درباره زمان که در راه رفتن کند و بی‌آینده پیرزنی در کوچه‌ای تنگ تصویر شده و از بقیه داستان مجزا است، یکی از جلوه‌های تابناک فلسفه اضطراب است، آن‌چنان‌که در فلسفه کیرکه‌گور و چستوف^۱ و یاسپرس و هیدگر منعکس است.

بدین‌گونه هر دو جنبه رمان موفقیت‌آمیز است، ولی از ترکیب این دو اثری هنری به وجود نیامده است و عبور از این به آن به اندازه‌ای سریع و به گونه‌ای توجیه‌ناپذیر است که خواننده نمی‌تواند اعتقاد عمیقی را که هر رمان‌نویسی در او ایجاد می‌کند، در این جا بازیابد.

و در حقیقت نیز، کتاب به خودی خود سیمای رمان ندارد، بلکه بیشتر گفتگوی قهرمان کتاب است با خود. مردی درباره زندگی خود، و در نتیجه درباره خود، داوری می‌کند. یعنی درباره حضور خود در جهان به بررسی می‌پردازد. این‌که انگشتانش را تکان می‌دهد و در ساعتی معین غذا می‌خورد و آنچه در عمق ابتدایی‌ترین اعمال خود می‌یابد، اینها همه بیهودگی بنیادی اوست.

در بخش‌های زندگی که به خوبی تصویر شده است، همیشه لحظه‌ای می‌رسد که دکور فرومی‌ریزد. چرا این؟ چرا آن؟ چرا این زن؟ و این

۱. لئون چستوف (L. Chestov) نویسنده و فیلسوف روسی (۱۸۶۶-۱۹۳۸) که بیشتر به فلسفه اخلاق می‌پردازد.